

لغات مهم پنج درس اول زبان

alteration	تغییر	between	بین
ancient	قدیمی	base	اساس
anumberof	تعداد زیاد	building	ساختمان
applicable	عمل اجرایی	because	زیرا
appliedrules	قوانین عملی	biblical	انجیلی
arbitrary	اختیاری	By the use of	با استفاده از
artist	هنری	build	ساختن
at the bottom	انتها	beotiful	زیبا
At the top	با	belive	اعتقاد
achieve	رسیدن	Best known	مشهور
According to	بر اساس	bear	نشان دادن
Arche type	قالب	baker	نانوا
aim	هدف	blind	نابینا
appropriate	مناسب	c	
association	همکاری	call	نامیدن
actual	واقعی	century	قرن

atmost	حد اکثر	classification	طبقه بندی
As a result	در نتیجه	comedy	کمدی
article	مقاله	common	رایج
attic	ساده	commonly	عموما
An other	دیگری	conceive	درک کردن
apperntic	دست نویس	conception	تخیل
adolescenc e	بلوغ	concurrent	همراه
As well as	همچنین	convenient	راحت
actually	در واقع	central	مرکزی
B		concept	خیال
bottle	بطری	container	ظرف
beyond	ماورای	content	مظروف

combinatio n	ترکیب	Concide with	مصادف با
component	جز اصلی	composition	نگارش
clay	خاک رس	certainly	قطعی

constitue	انتخاب کردن	complaint	شکایت
choice	انتخاب	D	
composed	پیچیده	development	پیشرفت
completion	تکمیل	drastic	جدی
closure	پایان	diction	فصاحت - واژه گزینی
close	بسته	density	فشرده‌گی
connection	ارتباط	device	صنعت - فن
connective	حرف ربط	doctrine	قانون - قاعده
chracteristi cally	به طور مشخص	decorum	ادب
constracte d	ساختنی	differentiation	تفکیک
climmax	نقطه اوج	distinction	ناهمگونی
clipped	بریده شده	dim	تیره - تاریک
concise	مختصر	dark	تاریک
certain	قطعی	distinctive	شاخص
conclusion	موضوع- فاعل	description	توصیف
circumstan ces	شرایط	details	جزئیات

copyist	کپی بردار	decline	کاستن
capture	تصرف کردن	E	
continuous	مداوم	effect	اثر
Elegy	مرثیه	frequently	مکررا - مداوم
epic	حماسه	fixed	ثابت
epigram	هجو - لطیفه	french	فرانسوی
essay	مقاله	fullness	کاملی - پری
esteem	اعتبار	formal	رسمی
evaluation	ارزیابی	formula	فرمول
extraordinary	فوق العاده	folklore	فرهنگ عامیانه
energy	توان - قدرت	fame	شهرت
experience	تجربه	family	خانواده
expression	بیان - اصط ح	fall	کاهش
employ	استخدام	fully	کام
else	دیگر	frequent	مکررا
except	بجز	G	

express	بیان کردن	gener	نوع
elaborate	مفصل	grand	بزرگ
euphuism	سبک پر تصنع	gay	شادی
element	عنصر- مبنا	guide	هدایت کردن
examine	امتحان کردن	Ghazal form	قالب غزل
event	حادثه	grace	موضوع بودن
Entirely	ک - تماما	H	
Earn the tight	مستحق	hierarchy	سلسله مراتب
evidence	شاهد	highly	بسیار - زیاد
East ward	سمت شرق	however	هرچند
explain	توضیح دادن	hieratic	کشیش - کاهنی
F		hypotaxis	ناهم پایگی
		hint	پند - اندرز
I		line	بیت
In the bases of	براساس	linguistic	زبان شناختی
interpreted	تفسیر - توضیح	lady	بانو

internal	درونی - داخلی	lament	مرثیه
Interms of	در نظر	Literary device	شیوه ادبی
introduce	معرفی کردن	M	
insert	درج کردن	major	اصلی
inorderto	زیرا - به دلیل	minor	فرعی
individual	انفرادی	mutual	دو طرفه
idea	عقیده	middle	وسط - میان
In the course of	در حین	mean	ناچیز - متوسط
J		member	عضو
jurnalese	سبک روزنامه نگار-اغراق آمیز	merely	فقط - کام
judge	قضاوت کردن	metaphysical	دشوار
join	ملحق شدن	mony	پول
K		markd	آشکار
kingship	پادشاهی	monument	بنای تاریخی

L		manuscript	نسخه ی خطی
latter	ابدی - اخروی	manhood	جوانمردی - انسانیت
literarycritic ism	نقد ادبی	maturest	کامل ترین
Literary form	شکل ادبی	N	
literaryspec ies	انواع ادبی	New comers	نوع آوران
Literary work	آثار ادبی	Neocelassic	نئو ک سیک
literature	ادبیات	Nonperiodic sentence	جمله غیر معترضه
lyric	شعر غنایی	noncommittal	نامشخص
limited	محدود	nature	طبیعت - ذات
need	احتیاج داشتن - نیاز	persian	فارسی
near	نزدیک	panegyrist	مدیحه سرا
Never the less	با این حال	Pre- eminent	برجسته - ممتاز
O		probably	شاید - احتما

order	نظم - ترتیب	perhaps	شاید
organist	اورگانیسٹ	poor	فقیر
organic	درونی - بنیادی	particular	ویژہ - مخصوص
outward	سطحی - ظاہری	phase	مرحلہ
ordinary	معمولی	politically	از نظر سیاسی
oratorical	گفتاری	pteron	مشوق - حامی
on after another	یکی پس از دیگری	Q	
opposing	مخالف	R	
older	کهنہ - پیر	range	ردیف
out of favour	مورد غضب	rank	ردہ بندی
office	دفتر - دیوان	rather	برعکس
obtain	عطا کردن	recognize	شناختن
P		relative	منسوب -

			نسبی
poetic	شعری	rise	افزایش
prominence	اولویت	regard	توجه کردن
proper	مناسب	recurrent	بازگشتنی - تکراری
pour	ریختن	require	مناسب
particular	ویژه - مخصوص	recently	وابسته به سبک
premise	قضیه منطقی	relation	ارتباط
principle	اصل	repetition	تکرار
prose	نثر	reader	خواننده کتاب
pure	خالص	rebellion	شورش
pointed	صریح - آشکار	reign	سلطنت
princess	شاهزاده خانم	repute	معروف بودن
past	گذشته	rule	حکمرانی
politics	سیاست	real	واقعی
reference	ارجاع	society	جامعه
S		subject	موضوع

satire	ادبیات هجایی	settle	مهاجرت کردن
shift	تغییر	As well as	همچنین
signify	روش ساختن	spend	گذراندن
since	زیرا - از وقتی که	signify	دلت کردن
Some what	تا حدی - کم و بیش	T	
specified	ذکر شده - معین	term	عبارت - اصط ح
specific	ویژه	think	فکر کردن
species	نوع	through	از میان
still	هنوز	Turn out	بیرون آمدن
structure	ساختار - بنا	title	عنوان
style	روش - سبک	The ege of thirty	سن سی سالگی
Subject matter	مطالعات مورد بحث	U	
Such as	مانند - مثل	usually	معمو
Short story	داستان	unity	وحدت

	کوتاه		
stanza	بند شعر	until	تا
share	شریک شدن	v	
syntax	نحو	variable	بی ثبات
sound	صدا	variant	گوناگون
speech	سخنرانی	virgin	خالص
suspended	معوق	viwe	دید - نظر
syntacticall y	از نظر نحو	variously	به طور گوناگون
sequence	ترتیب	w	
sun	خورشید	widely	گسترده
stressed	تکیه دار	within	در معرض
sufficiently	به طور کافی	without	بدون
significant	برجسته	whilst	در حالیکه
set	تنظیم کردن		
single	تنها		